

متن پرسش

سلام علیکم خدمت حضرت استاد: بنده طلبه ای هستم و در حوزه علمیه ای مشغول خدمت هستم که جو آن شدیداً در مقابل آقای هاشمی رفسنجانی (رحمت الله) است، عده ای او را ابوسفیان انقلاب، وعده ای با رحلت ایشان خوشحال اند و مشغول پخش شیرینی هستند، از آن طرف ابوی بنده از جانبازان دفاع مقدس هستند و از آقای هاشمی حسنات فراوانی از آن دوران و دوران فعلی بیان می کنند، بنده واقعا سردرگم شده ام، و خود ایشان را نه کافر و ضد انقلاب و ضد حضرت آقا (حفظه الله) و نه امام زاده می دانم، استاد عزیز لطفا کلیت شخصیت ایشان و جنبه سیاسی و اعتقادی ایشان را به طوری که بنده حساب کار دستم بیاید در مقابل افراد بی بصیرت افراطی صریحا بیان کنید. مطالب مورد نیاز را، خداحفظتان کند برای اسلام و جوانان ایران، تشکر. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که مقام معظم رهبری «حفظه الله» در پیام تسلیت خود فرمودند: « اختلاف نظرها و اجتهادهای متفاوت در برهه‌هایی از این دوران طولانی هرگز نتوانست پیوند رفاقتی را که سرآغاز آن در بین‌الحرمین کربلای معلی بود به کلی بگسلد و وسوسه‌ی خناسانی که در سالهای اخیر با شدت و جدیت در پی بهره‌برداری از این تفاوت‌های نظری بودند، نتوانست در محبت شخصی عمیق او نسبت به این حقیر خلل وارد آورد.» ایشان در این سخن متذکر این امر هستند که اختلاف نظرها نباید منجر به تنفر و تقابل و کینه شود. شما شرایط تاریخی را از دیدگاه مقام معظم رهبری دائماً مدّ نظر داشته باشید و موضع‌گیری‌های ایشان را براساس آن شرایط تبیین کنید. تفاوت نگاه رهبری به آینده و نگاه امثال آقای هاشمی رفسنجانی در فهم شرایط تاریخی است. به سخنان آقای هاشمی که نگاه می‌کنید ملاحظه می‌شود ایشان همه پیچیدگی‌های دشمن را می‌دانند و می‌شناسند، اما به تاریخی که در آن هستیم طور دیگری نگاه می‌کنند. ایشان معتقد است حضور در تاریخی دیگر که بیرون از ارزش‌های فرهنگ مدرن باشد معنا نمی‌دهد. معتقدند می‌توانیم مستقل باشیم و در عین حال در همان فضای ارزشی فرهنگ غرب زندگی کنیم بدون آن‌که از مسلمانی خود دست برداریم. در این دیدگاه، تأکید مقام معظم رهبری بر مقابله با استکبار غیرواقع بینانه است و لازم نیست. تنها وقتی می‌توانیم متوجهی ضعف نگاه آقای هاشمی شویم که با ساحت دیگری به آنچه در این تاریخ با آن روبه‌روئیم نظر کنیم و جهان را آن‌چیزی ندانیم که غرب و به‌خصوص آمریکا برای ما تعریف کرده، جایی برای حضور سنت‌های الهی بگذاریم و نظر به معیت حق در این راه داشته باشیم.

مقام معظم رهبری در رابطه با معیت حضرت حق با جریان‌های توحیدی مثال حضرت موسی «علیه‌السلام» را زدند که وقتی فرعونیان در حال نزدیکی به قوم بنی‌اسرائیل بودند تا آن‌ها را بگیرند، حضرت موسی «علیه‌السلام» فرمودند: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». ببینید! معیت الهی این قدر اهمیّت دارد. و رهبری فرمودند: این که می‌گویند: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»، این معیت را باید قدر دانست. و ادامه دادند: «ما هم به تقلید از حضرت موسی عرض می‌کنیم که: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ». حال این نگاه را با آن ساحتی که آقای هاشمی در آن قرار دارند مقایسه کنید و سعی کنید سخنان رهبری را در فضایی که ایشان مدّ نظرها قرار می‌دهند تبیین نمائید، تا به همان معنایی که حضرت موسی (ع) در حین نزدیکی سپاه فرعون متوجه سنت دیگری هستند به نام «معیت الهی با اهل تقوا» ما توجه رهبری را در این تاریخ به معیت الهی با این انقلاب و این ملت بفهمیم و تحلیل‌های خود را از وضع موجود تبیین کنیم. پس بنابراین همان‌طور که فرمودند تفاوت دو نگاه است، نه آن که آقای هاشمی بخواهد خیانت کند و یا عناد داشته باشد. موفق باشید